

ویلہلم رایش

ماقریالیسم دیالکتیک

و

روانکاوی

مترجم

نماہینی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سرشناسه: رایش، ویلهلم، ۱۸۹۷-۱۹۵۷م. Reich, Wilhelm

عنوان: ماتریالیسم دیالکتیک و روانکاوی

پدیدآورنده: ویلهلم رایش

ترجمه: نیما هرسینی

مشخصات نشر: تهران: سمندر، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص: ۱۴/۵ × ۱۲/۵ س.م.

شابک: 978-600-97278-۴-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی نشده

یادداشت‌ها: عنوان اصلی: Dialectical materialism & psychoanalysis

1972

موضوع: روانکاوی

موضوع: Psychoanalysis

موضوع: ماتریالیسم دیالکتیک

موضوع: Dialectical materialism

شناسه‌ی افزوده: هرسینی، نیما، ۱۳۶۸ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۲ / ۱۶ BF۱۷۳

رده‌بندی دیویی: ۱۵۰/۱۹۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۸۲۳۷۳



عنوان: ماتریالیسم دیالکتیک و روانکاوی

نویسنده: ویلهلم زایش

ترجمه: نیما هرسینی

طراح جلد: دانیال عطائی

دیراستار: دفتر نشر سمندر

صفحات: دفتر نشر سمندر

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: چاپ اول، زمستان ۱۳۹۶

قیمت: ۱۲ هزار تومان

پست الکترونیک: samandar.p@samandar.ir

اینستاگرام: [samandarpublication](https://www.instagram.com/samandarpublication/)

تلگرام: <https://t.me/samandarpub>

آدرس: تهران، خیابان آزادی، پلاک ۱۶۳، خیابان شهید زارع، پلاک ۱۶۳

تلفن: ۶۶۵۸۱۷۲۲

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات سمندر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
ماتریا سم بالکتیک و روانکاوی.....	۱۳
مفاهیم روانکاوی / چند تغییر شکل ایده‌آلیستی آن.....	۱۸
۱- نظریه غریزه‌ها در روانکاوی.....	۲۱
۲- نظریه فروید: ضمیر اخلاقی و بس‌راندگی.....	۲۷
۳- دیالکتیک زندگی ذهنی.....	۳۲
موقعیت اجتماعی روانکاوی.....	۵۳

مقدمه مترجم

ویلهلم رایش، روان‌پزشک، روانکاو و یکی از جنجالی‌ترین اندیشمندان دوران معاصر، در ۳۴ مارس ۱۸۹۷ در گالیسی، منطقه‌ای مابین کشورهای اتریش و مجارستان به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۱۸ به دانشکده پزشکی وین راه یافت. در سال ۱۹۱۹ با فریدریش اشنا شد، که این آشنایی تأثیرات عمیقی در وی گذاشت. رایش تحصیلات پزشکی روانکاوی را به اتمام رساند و از سال ۱۹۲۲ به عنوان دستیار و معاون کلینیک روان‌پزشکی وین مشغول به کار شد. ویلهلم رایش در این دوران به مسائل طبقه کارگر علاقه‌مند گردید. علاقه وی به این مسائل سبب شد که به عضویت سازمان امداد کارگران درآمد، که در آید، که یکی از سازمان‌های حزب کمونیست اتریش بود و در آنجا فعالیت کند. رایش در این سال‌ها شروع به مطالعه آثار بنیانگذاران مارکسیسم کرد و تحت‌تأثیر ریشه‌های تاریخی- طبقاتی خانواده پدرشاهی و جامعه اقتدارگرا آنجا، در دهه‌های چهل و پنجاه پیش‌پژوهش‌هایی درباره ارتباط بین مارکسیسم و روانکاوی، پرورش کودکان، اختلالات جنسی و ... را پیش گرفت و توانست مقالات زیادی در حوزه مارکسیسم روان‌پزشکی و فرایندی به رشته تحریر درآورد. در سال ۱۹۲۹ کتاب ماتریالیسم دیالکتیک و روان‌پزشکی را نوشت که در مسکو نیز به چاپ رسید. رایش در این سال‌ها به دلیل اختلافات جدی نظری و سیاسی‌ای که با اعضای انجمن روانکاوی وین داشت، ناگزیر شد در سال ۱۹۳۱ به برلین مهاجرت کرد. در آنجا نیز مشغول فعالیت‌های علمی و سیاسی شد. در سال ۱۹۳۲ کتاب روانشناسی توده‌ای فاشیسم را منتشر نمود؛ در این دوران هم از حزب کمونیست و هم از انجمن بین‌المللی روانکاوی اخراج شد. وی تا روی کارآمدن هیتلر در آنجا ماند و سپس از آلمان گریخت. پس از آنکه

تلاش‌های رایس برای اقامت و فعالیت علمی در دانمارک و سوئد نتیجه نداد، وی چند سالی در نروژ زندگی کرد و پژوهش‌های علمی خود را در آنجا ادامه داد؛ تا آنکه سرانجام پس از چند سالی آوارگی در اروپا، از سوی یکی از مراکز علمی آمریکا برای تدریس دعوت شد و در سال ۱۹۴۰ به آن کشور رفت و در فلوریدا اقامت گزید. وی در آمریکا نیز به تحقیقاتش در زمینه روانکاوی بالینی ادامه داد. بحث بر سر پژوهش‌های رایس در آمریکا به دلایل مختلف، از جمله اختلاف‌های نظری بر سر آن، که حتی در میان هوادارانش وجود دارد، در این سال منتهی گنجید. در فضای نفوذ مکتب کارتیسم در آمریکا، پس از شکایت اداره تغذیه و دارو، حکم بستن انستیتوی تحقیقاتی وی در دادگاه صادر شد. رایس که رأی دادگاه را نپذیرفت و از باورهای خود دفاع کرد، در دادگاه بعدی به اتهام سرپیچی از احکام قبلی به دو سال حبس محکوم و زندانی شد. همچنین رأی دادگاه آمریکا مبنی بر سرانجام دادن کلیه کتاب‌ها، مدارک و آرشیوهای انستیتوی آرگون و دستگاه‌ها و لوازم آزمایشگاهی آن به اجرا درآمد و کلیه کتاب‌ها و ... در آتش سوزانده شد. هشت ماه بعد، ۱۰م مارس ۱۹۵۷ در زندان در اثر ایست قلبی (بنا به گزارش پلیس آمریکا) درگذشت؛ رگی که برخی آن را مشکوک تلقی کرده‌اند.

درباره ارتباط روانکاوی و مارکسیسم اکنون بحث‌ای مفصلی انجام گرفته است. فروید چند بار به طور مختصر درباره‌ی مارکسیسم اظهار نظر کرده است. ورال^۱ در سال ۱۹۳۷ در نامه‌ای به فروید به نقد درک او از مارکسیسم اشاره می‌کند و با رجوع به نوشته‌های مارکس و انگلس نشان می‌دهد که تحلیلی آنها به معنای نفی تاثیر عوامل روانی نیست. که فروید در پاسخ به ورال می‌نویسد: «می‌دانم که نظرات من درباره مارکسیسم از شناخت و درک نادقیق من از آثار مارکس و انگلس ناشی شده است، اکنون متوجه شده‌ام که هیچ یک از آنان، تاثیر افکار و عوامل سوپرایگویی را منکر نشده‌اند. از این رو اعتقاد به تضادی که بین مارکسیسم و روانکاوی داشتیم، از میان برداشته می‌شود. اما درباره دیالکتیک

حتی پس از نامه‌ی شما هم موضوع برایم روشن‌تر نشده است.^۲ همچنین به طور مشخص درباره ارتباط بین روانکاوی و مارکسیسم، ویلهلم رایش، اریک فروم و هربرت مارکوزه نیز در راه تلفیق و رابطه‌ی این دو تئوری، نظریه‌ها و نگرش‌های ویژه‌ای ارائه کرده‌اند که مورد نقد هم قرار گرفته‌اند. لاکان نیز در این باره نظریه‌هایی مطرح کرده است.

در ایران کتاب‌های برخی از این نظریه‌پردازان که به این ارتباط پرداخته‌اند، ترجمه و منتشر شده است، با این وجود جای کتاب حاضر در این میان خالی بود. ویلهلم رایش هدف از نوشتن کتاب ماتریالیسم دیالکتیک و روانکاوی را پاسخ به این پرسش می‌داند: «که آیا میان روانکاوی فروید و ماتریالیسم دیالکتیک مارکس و انگلس، همبستگی دارد؟ وی در خلال این کتاب سعی می‌کند به منتقدان مارکسیست در ایران پاسخ دهد.

در ایران تاکنون از بسیاری کتاب‌های رایش ترجمه‌هایی به فارسی انجام شده است. هدف من از ترجمه این کتاب، آشنایی پژوهشگران روانشناسی، روان‌پزشکی و جامعه‌شناسی با تحریک و قرائت رایش از روانکاوی به مانند سایر قرائت‌های مختلف در حوزه روانکاوی بود. امید دارم در آینده ترجمه‌هایی از اندیشمندان دیگری که خوانش‌های متفاوتی از روانکاوی داشته و دارند، ارائه کنم.

در پایان از آقای قربانی جهت معرفی این کتاب و راهنمایی‌های ارزنده‌شان و از دوستان عزیزم خانم پرنیا رستمی و آقای ابراهیم رحمتی که کتاب را از منظر یک ویراستار خوانده و پیشنهادات مهمی دادند، کمال تشکر را درج می‌دارم. همچنین از استاد عزیز دکتر حسن عشایری بابت همه زحمات و راهنمایی‌هایش در این زمینه و در اختیار بنده برای پاسخ به سوالاتم گذاشتن، صمیمانه سپاس‌گزارم.

نیما هرسینی

مهرماه ۱۳۹۶

۲. به نقل از کتاب زندگی و آثار فروید نوشته ارنست جونز